

ارزشیابی اردیبهشت ماه	بسمه تعالی آموزش و پرورش شهرستان..... دبستان..... من یاد می گیرم تا بهتر زندگی کنم	نام درس : فارسی نام و نام خانوادگی: نام پدر:
زمان : ۴۵ دقیقه کلاس : چهارم تاریخ :		

۱ . معنی کلمه هایی که زیر آن ها خط کشیده شده را در داخل کمانک بنویس.

- شیر از این لابه رحم حاصل کرد
- پنجه وا کرد و موش را ول کرد ()
- روزها و شب های بسیاری را برای ابداع الفبای ویژه ی ناشنوایان گذراندم؛ تا به مقصود رسیدم. ()
- دانا چون طبله ی عطار است؛ خاموش و هنرنمای ()

۲- با توجه به معنی جمله ها، کلمه ی مناسب را انتخاب کنید.

الف) دانشمندان، دشمن سرسخت و دوستدار دانش هستند. (جهل - جمل)

ب) ابوریحان بیرونی واپسین لحظات زندگی خود را (می گزرانید - می گذرانید)

ج) بعضی ها به دنبال موجودات عجیب و فضایی هستند. (قریب - غریب)

۳- هر کلمه را به طور مناسب با (زار، ناپذیر، نده) ترکیب کنید .

شوی = [] + [] نمک = [] + []

تسخیر = [] + []

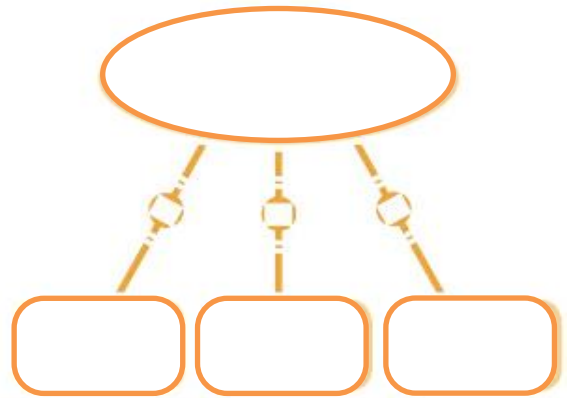
۴- معنی و مفهوم عبارت زیر را به صورت ساده و روان بنویسید.

«سطح آب از گاهوارش خوش تر است دایه اش سیلاب و موجش مادر است»

.....
.....

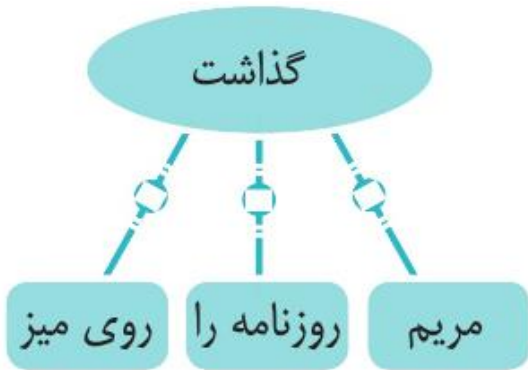
۵. مانند نمونه نمودار جمله ی زیر را رسم کنید.

دوستم توپ را از فروشنده گرفت.



نمونه:

مریم روزنامه را روی میز گذاشت.



۶. یکی از موضوعات زیر را انتخاب کنید و درباره ی آن دو بند بنویسید.

الف) اگر من مخترع بودم....

ب) نامه ای به معلم کلاس چهارم

ج) اگر مدیر مدرسه بودم...

د) رویدادهای شعر امید را به ترتیب بنویس.

موضوع:

جزوه سبزی

فارسی چهارم دبستان – مشهد – مدرسه شهید مصلی نژاد

۱.

ابداع: نوآوری، ایجاد کردن

لابه: التماس

طبله عطار : صندوقچه عطر فروشان

۲.

ج) غریب

ب) می گذرانید

الف) جهل

۳.

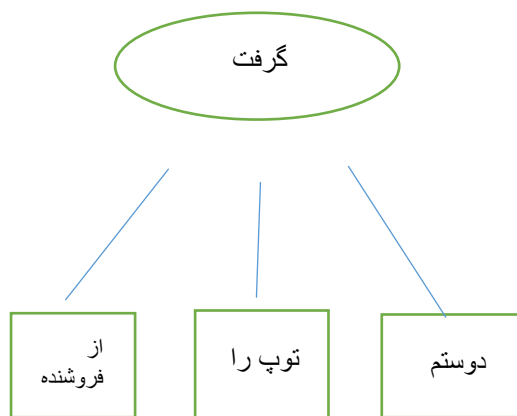
نمک + زار = نمک زار

شوی + نده = شوینده

تسخیر + ناپذیر = تسخیر ناپذیر

۴. آب رود نیل برای او از گهواره بهتر است و سیلاب برای او همانند پرستار و موج برای او همانند مادر است

۵.



۶. این سوال به عهده ی دانش آموزان است و متن زیر صرفا به عنوان نمونه بیان شده است

اگر من مخترع بودم ...

همیشه به این موضوع فکر می کنم که اگر من مخترع بودم چیز های زیادی اختراع می کردم و همه ی آن ها را در راه پیشرفت استفاده می کردم و هیچ وقت چیزی که باعث نابودی و ناراحتی انسان ها می شود را اختراع نمی کردم. اولین چیزی که من اختراع می کردم تا با آن به همه کمک کنم یک دستگاه دروغ سنج کوچک دارای هشدار بود که به صورت اجباری به همه ی آدم ها وصل می شد تا دیگر هیچ کس نتواند در دنیا دروغ بگوید زیرا بسیاری از مشکلات و ناراحتی های ما به خاطر دروغ گفتن به وجود می آید و هیچ کس از شنیدن حرف دروغ خوشش نمی آید و اگر متوجه شود که دروغ شنیده حتما بسیار ناراحت خواهد شد.

دستگاهی که من اختراع می کردم باعث می شد اگر کسی در مورد موضوعی به ما دروغ گفت ما در همان لحظه متوجه شویم و او از کارش شرمنده شود و در این صورت اگر کسی چند بار دروغش رو می شد دیگر دست از این کار بر می داشت.

دومین چیزی که اختراع می کردم یک داروی جادویی بود، دارویی که بتواند همه بیماری ها را درمان کند و کسی به خاطر بیماری رنج نکشد و کودکی پدر و مادر و نزدیکان خود را به خاطر بیماری از دست ندهد و غصه نخورد. سومین اختراعم این بود که دستگاهی طراحی کنم و بسازم که من و بچه های دیگر هر وقت هر اسباب بازی و خوراکی که خواستیم سریع آن را برای مان درست کند تا ما بتوانیم از آن استفاده کنیم و لذت ببریم و هیچ وقت به خاطر نداشتن اسباب بازی مورد علاقه مان ناراحت و غمگین نشویم.

سهیلا چهره نگار